

آبرکامو | ترجمهٔ مینا غرویان

متافیزیک مسیحی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۱	مقدمه
۲۹	متافیزیک مسیحی
۴۱	فصل اول: مسیحیت پروتستان انجیلی
۷۱	فصل دوم: گنوسیس
۱۰۱	فصل سوم: عقل عرفانی
۱۳۹	فصل چهارم: اوگوستین
۱۶۵	نمایه

مقدمه

آلبر کامو در پاییز ۱۹۴۷، در یادداشت‌هایش نوشت: «اگر می‌خواهیم بدانیم چرا نیهیلیسم تا این اندازه رشد کرد و بزرگ شد، باید به مسیحیت بازگردیم، پس برای اینکه بدانیم چرا مسیحیت تا این اندازه بزرگ شد نیز باید رد آن را در هلنیسم دنبال کنیم.»^۱ کامو چندسال بعد دوباره این موضوع را با شدت بیشتری مطرح کرد و از جهتی هرگونه ابهام موجود و باقی مانده درباره جایی را که می‌توانست خطی میان باستانی‌ها و مدرن‌ها رسم شده باشد، جمع و جور کرد: «به گذر از هلنیسم به مسیحیت بازگردید، که تنها نقطه عطف حقیقی در تاریخ است.»^۲ کامو گرچه به اختلاف میان مسیحیت و مدرنیته اذعان دارد، اما در ضمن پای مسیحیت را در جریان مدرن نیز به میان می‌کشد. او همچنین تأکید می‌کند که از نظر او یونانیان تنها ملت باهوش در غرب هستند. آن‌ها صاحب روایتی هستند که فارغ از محدودیت‌های هر دو سنت است. این ادعای درشت بر جهتی دلالت دارد که افکار کامو جریان داشت

1. Albert Camus, *Notebooks 1942-1951*, trans. Justin O'Brien (New York: Paragon House, 1991), 183.

2. *Ibid.*, 267.

که ابتدا صورت‌بندی شده بود و سپس در متافیزیک و نوافلاطون‌گرایی مسیحی توسعه یافت. خود بازگشت فرضی او به موضوع، شاهد خوبی از اهمیت آن برای موضوع فلسفی اصلی آن است. کامو یک‌بار از هرمان ملویل گفت که او در تمام زندگی‌اش تنها یک کتاب نوشت.^۱ من فکر می‌کنم که این همان گفته کامو است. در اعماق رازی که آن کتاب درباره‌اش نوشته شده، پرسش‌های بنیادین درباره زندگی بشر نهفته که او همان ابتدا در متافیزیک مسیحی کشف کرده بود.

متافیزیک مسیحی در واقع موضوع پایان‌نامه کامو برای فارغ‌التحصیلی از دانشگاه الجزیره بود. خلاصه‌ای از زندگی کامو و تحصیلاتش به خواننده کمک می‌کند تا این متن را بهتر دریابد.

در ژوئن ۱۹۳۲، کامو در نوزده‌سالگی مدرکش را از گرند لیسه^۲ گرفت که معادل اروپایی دیپلم دبیرستان بود.^۳ ژان گرنیه که معلم اصلی‌اش در دبیرستان بود، تأثیرات فکری مهمی بر کامو داشت که تازه داشت قدم در راه حرفه‌ای ادبیات می‌گذاشت. در فرانسه، دانش‌آموزانی که آرزومند ورود به دانشگاه بودند می‌بایست دو سال پیش‌دانشگاهی را بگذرانند. این دو سال به ترتیب هیپوخانیه^۴ و خانیه^۵ نامیده می‌شد. در پاریس گذراندن این دو سال خودبه‌خود به اکول نورمال سوپریور و در نتیجه به سمت معلمی منتهی می‌شود. اما در مستعمرات فرانسه این

1. Albert Camus, 'Herman Melville,' in *Lyrical and Critical Essays*, ed. Philip Thody, trans. Ellen Conroy Kennedy (New York: Knopf, 1968), 291. 'But it seems to me (and this would deserve detailed development) that Melville never wrote anything but the same book, which he began again and again.'

2. baccalauréat, Grand lycée

3. The following biographical remarks are gathered largely from Herbert R. Lottman's and Oliver Todd's excellent biographies of Camus. Herbert R. Lottman, *Albert Camus: A Biography* (New York: George Brazillar, 1981), 38-76. Oliver Todd, *Albert Camus: A Life*, trans. Benjamin Ivry (New York: Alfred A. Knopf, 1997).

4. hypokhâgne

5. khâgne

ترتیب رعایت نمی‌شد. اما در مورد کامو که بومی الجزیره بود، او تنها می‌توانست سال هییوخانیه را پشت سر بگذارد. در ۱۹۳۳ کامو با موفقیت این مرحله را تمام کرد و پاییز همان سال در دانشگاه الجزیره شروع به تحصیل نمود.

طول دورهٔ تحصیلی دانشگاه الجزیره سه سال و متشکل از دو ترم بود. بعد از دو سال نخست تحصیل مدرک لیسانس فلسفه داده می‌شد. دانشجویان می‌بایست چهار مدرک را در درس‌های مختلف می‌گرفتند. موضوعات این بخش‌ها کاملاً آزاد بود. هر استادی مواد درسی خودش را انتخاب می‌کرد، کلاس‌ها کوچک بودند و بیشتر مانند سمینارهای پیشرفته برگزار می‌شدند تا سخنرانی‌های درسی دورهٔ لیسانس که دانشجویان باید به‌طور شفاهی درس‌ها را ارائه دهند و به بحث و پاسخ پرسش‌ها بپردازند. در پایان هر امتحانی مدرک تأییدیه داده می‌شد. درس‌هایی که کامو انتخاب کرده و گواهی گرفته بود، عبارت بودند از: گواهی اخلاق و جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مطالعات ادبیات کلاسیک، و گواهی منطق و فلسفه. در ۱۹۳۵، کامو با موفقیت این درس‌ها را پشت سر گذاشت.

در سومین سال تحصیل دانشگاه می‌بایست عنوان رساله‌ای که باید کار شود انتخاب گردد. دانشجویانی که با موفقیت دروس الزامی را گذرانده بودند، دیپلم فارغ‌التحصیلی^۱ می‌گرفتند که آن‌ها مجاز به شرکت در کنکور دبیری می‌کرد. این امتحان مهم مسیر حرفهٔ آموزگاری در فرانسه، کشورهای پیرامونی یا حتی برای مدرک دکتری بود.^۲ به گفتهٔ لاتمن تنها یک‌سوم دانشجویان برای ادامهٔ تحصیل ثبت‌نام کردند، بنابراین شرایط موجود کوچک‌ترین پیشرفتی برای کامو نداشت. در آمریکای شمالی این دیپلم معادل مدرک کارشناسی بود.

شواهد آن است که کامو واقعاً دوست داشت کنکور دبیری بدهد و قصدش این بود تا آموزگار شود و به این طریق از نظر مالی مطمئن باشد.^۳ او از خانواده‌ای از طبقهٔ پایین برخاسته بود و بنابراین می‌دانست که فقر چیست و البته اندکی هم

1. diplôme d'études supérieures

2. Lottman, *Camus: A Biography*, 65.

3. Roger Quilliot confirms this ambition.

در باره پول عقده داشت. باین وجود، از سوی دایی و همسر دایی اش کمک‌هایی دریافت می‌کرد؛ شرایط همواره طوری بود که او ناگزیر از کار کردن برای درآمد بود.^۱ و این شرایط مادام که او تحصیل می‌کرد ادامه داشت، و دلیلی ندارد که فکر کنیم کامو همواره تصور می‌کرد که باید چیزی جز این باشد. ما همواره در مورد نویسندگان این‌طور می‌اندیشیم که همه چیز تمام هستند و در مورد دانش‌شان که با دانایی خودمان مقایسه می‌کنیم، و درباره زندگی‌شان ذهنیت داریم. اما کامو در این مرحله از زندگی‌اش، هنوز آن کامو نبود. برعکس، او نویسنده‌ای جوان با استعدادی بی‌نظیر بود که تمام وقتش را صرف کار کردن برای درآمد کرده بود و نگران این بود که این ضرورت‌ها با هدفی که در ادبیات داشت، تداخل داشته باشد. تدریس برای او بسیار خوب بود؛ و اگر تردیدی هم داشت اما الگویی همچون گزینه داشت که راهنمایی عالی برای او بود.^۲

اما سرانجام جسم نحیف و نبود سلامتی کامل، کامو را از نشستن بر روی صندلی کنکور و معلم شدن بازداشت. در فرانسه، مقام معلمی یک موقعیت دولتی بود و شرکت کنندگان می‌بایست تست فیزیکی هم برای اثبات سلامتی لازم برای کسب چنین مقامی بدهند. اما کامو پیش از آن به سل مبتلا شده بود، و در میانه قرن بیستم سل همچنان بیماری بی‌درمانی در اروپا بود. دولت فرانسه آشکارا حاضر نمی‌شد بر روی مردی سرمایه‌گذاری کند که شانس زنده بودنش در بهترین حالت بسیار اندک بود. کامو برای غلبه بر این ناتوانی هر کاری می‌توانست انجام داد، چنان که چند سال بعد به خدمت ارتش رفت اما این کار هم بی‌نتیجه بود.^۳ بر طبق نوشته لاتمن «کامو بعدها به ژان گرنیه می‌گوید که یک کمیسیون ویژه دولت مرکزی

1. Lottman, Camus: A Biography, 49, 62.

۲. لاتمن به ما می‌گوید که گرنیه حرفه ادبیات را درست بعد از آن شروع کرد که به الجزیره نقل مکان کرد. پیش از آن نقل مکان، تمام کاری که منتشر کرده بود چند مقاله بود. گرچه در ۱۹۳۰ بعد از رسیدن به الجزیره، تنها حدود چهار مقاله منتشر کرد و شروع به انتشار چندین کتاب کوچک فلسفی کرد. همان. ص ۴۲.

3. Ibid., 208-9.